دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی

چالش‌ها و فرصت‌های توسعه کارآفرینی در بخش صنایع تبدیلی محصولات باغی (مطالعه موردی: استان خراسان شمالی)

علی کارشناسان[۱] و مژگان علیزاده[۲]

۱- استادیار، دانشگاه گنبدکاووس، (نویسنده مسوول: karshenasan@gonbad.ac.ir)
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه گنبدکاووس

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۳

چکیده

هدف اصلی این مقاله شناسایی چالش‌ها و موانع توسعه کارآفرینی در بخش صنایع تبدیلی محصولات باغی در استان خراسان شمالی و اولویت‌بندی آن موانع و نهایتاً ارائه راهکارها جهت رفع موانع توسعه این صنایع می‌باشد. بدین منظور اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه تخصصی با ۲۰ نفر از مدیران و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل صنعت، معدن، تجارت، اتاق بازرگانی و بانک کشاورزی استان خراسان شمالی صورت گرفت. نتایج نشان می‌دهد که از بین عوامل مطرح، موانع تأمین مالی در رتبه اول عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی قرار دارد و پس از آن تنگناهای مرتبط با بازار در رتبه دوم، فقدان برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی در رتبه سوم، کاغذبازی در فرآیند صدور مجوزها (نظام بروکراسی) و ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی به طور مشترک در رتبه چهارم قرار دارد و ضعف هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی در رتبه پنجم قرار دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پرداخت وام با شرایط آسان‌تر و زمان بازپرداخت طولانی‌تر صورت گیرد. همچنین، ایجاد یک پنجره واحد میان سازمان‌ها جهت اخذ مجوز، هزینه‌ها و زمان شروع ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های صنایع تبدیلی را کاهش می‌دهد و اجرای برنامه‌های بازاریابی متمرکز جهت حضور در بازارچه‌های منطقه‌ای و مرزی و بازارچه‌های فصلی به حل مشکل مربوط به تنگناهای بازار کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: صنایع تبدیلی، محصولات باغی، کارآفرینی، چالش‌ها و فرصت‌ها، تأمین مالی، خراسان شمالی

مقدمه

کشاورزی به‌عنوان فعالیت غالب در نواحی روستایی، به نهایی از توان تأمین اشتغال و درآمد کافی برای جمعیت روستایی برخوردار نمی‌باشد، بنابراین توجه به دیگر فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا در محیط روستا، از مهم‌ترین ضروریات برنامه‌ریزی منطقه‌ای است (۸). صنایع روستایی به دلیل اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جوامع روستایی به‌ویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکم فرماست از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

مسائل و مشکلات زیستی، اختلاف درآمد و سطح زندگی بین جوامع شهری و روستایی که از عوامل مهم مهاجرت‌های روستایی- شهری است، بسیاری از برنامه‌ریزان را به اتخاذ استراتژی‌های جدید توسعه روستایی به‌ویژه صنعتی‌کردن روستاها ترغیب نمود (۱۰). لذا، سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی به‌عنوان موتور توسعه مناطق روستایی تأثیر به‌سزایی در پیشرفت تدریجی کشورهای درحال‌توسعه به‌ویژه توسعه صادرات و ایجاد فرصت‌های شغلی داشته است. این صنایع قادرند با جذب نیروی‌کار مازاد در بخش کشاورزی، گسترش آموزش و ارتقاء سطح مهارت‌ها زمینه مناسبی جهت توسعه مناطق روستایی فراهم آورند (۱۱). با اینکه کشاورزی در اکثر استان‌های کشور می‌تواند نقش اساسی در ایجاد اشتغال ایفا نماید، اما متأسفانه به دلیل ساختار سنتی کشاورزی، این بخش ضریب اشتغال‌زایی بالایی ندارد، درحالی‌که به علت فقدان زنجیره‌های پس از تولید و عدم دسترسی به بازار و یا تأخیر در حمل‌ونقل، بخش قابل‌توجهی از محصولات کشاورزی به صورت‌های مختلف به هدر می‌رود و از چرخه اقتصادی روستا خارج می‌گردد (۴). بنابراین، یکی از راهکارهایی که در این مورد نتیجه‌بخش بوده و تأثیر به‌سزایی دارد، استفاده از روش‌های مناسب و بهینه برای نگهداری مواد غذایی است که صنایع تبدیلی به‌طور متنوع می‌تواند این عمل را از سطح مصرف داخلی تا سطح تجاری توسعه داده که موجب افزایش کیفیت و دوره زمانی بیشتر نگهداری مواد غذایی می‌گردد و همچنین ارزش‌افزوده بیشتری را ایجاد می‌کند (۱۵).

صنعت شامل کلیه فعالیت‌هایی است که منجر به تغییر شکل فیزیکی و شیمیایی مواد مختلف و تبدیل آن‌ها به محصولات جدید می‌شود، اعم از اینکه این تغییرات به‌وسیله دست یا ماشین در کارخانه‌ها و یا در منازل انجام گیرد (۱۲) و صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی به صنایعی گفته می‌شود که به فرآوری و عمل‌آوری محصولات کشاورزی می‌پردازد (۵). در این تحقیق با توجه به طبیعت بخش کشاورزی و فسادپذیری و نوسان زیاد بازاری و متأسفانه بازارهای محدود برای تولیدکنندگان کوچک روستایی استان ضرورت توجه کافی در توسعه کارآفرینی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی و ارائه راهکارهای جذب سرمایه‌گذاری اقتصادی و قابل‌توجیه در صنایع تبدیلی پایین‌دستی برای تکمیل زنجیره‌های ارزش آن و افزایش ارزش‌افزوده در منطقه مشاهده می‌شود که نیازمند مطالعه موانع و چالش‌های توسعه کارآفرینی در صنایع تبدیلی در این حوزه می‌باشد. مهم‌ترین مطالعات انجام شده در این

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-08]

مورد را می‌توان به صورت ذیل بیان نمود:

بهالا (۱) در مطالعه‌ای با استفاده از روش دلفی، به موضوع اقتصاد روستایی در استان هونان چین پرداخته و بعد از ارائه راهکارهای توسعه صنایع، اهمیت استقرار مناسب و اولویت سرمایه‌گذاری در صنایع کارگاهی را بیان می‌کند. نامبودری و گاندهی (۹) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که صنایع فرآوری کشاورزی یک جایگاه والا در بخش صنعت کشور هند دارد. نتایج این تحقیق نشان داده که صنایع فرآوری کشاورزی به دلیل قدرت اشتغال بالا و همچنین قدرت بکارگیری سرمایه و مواد خام دارای اولویت بالایی در سرمایه‌گذاری می‌باشند. شارما و همکاران (۱۴) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که صنایع فرآوری کشاورزی می‌تواند موجب ارزش‌افزوده گردد که البته مقدار ارزش‌افزوده از محصولی به محصول دیگر و از صنعتی به صنعت دیگر فرق می‌کند. کیشور (۳) در مطالعه خود در ایالت اوریسای هند نتیجه گرفت که عواملی نظیر وجود مواد اولیه، وجود بازار، شرایط سرمایه‌گذاری، تخمین تقاضا و تسهیلات مالی و اعتباری پرداخت در ایجاد و توسعه صنایع و فعالیت‌های کشاورزی تأثیرگذار می‌باشند. فرهمندیان (۲) نیز در تحقیق خود به منظور تشخیص مکان‌های مناسب برای استقرار صنایع، قابلیت‌ها و پتانسیل‌های مکان را مهم‌ترین عامل در ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی تلقی کرده است. شریفیان (۱۳) در مطالعه خود نشان داد که چگونه افزایش هرگونه تسهیلات اعطایی به صنایع تبدیلی کشاورزی باعث پیشرفت این صنایع و رشد و توسعه بخش کشاورزی و روستایی می‌گردد. او دسترسی به تسهیلات ارزان قیمت و آسان را مهم‌ترین عامل در توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی می‌داند. مردوخی (۶) پتانسیل‌های کشاورزی، حاصلخیزی خاک، وضعیت آب منطقه، نیروی انسانی، وجود بازار و فناوری مناسب موجود در منطقه را از مهم‌ترین الزامات ایجاد صنایع تبدیلی می‌داند. مرادی و همکاران (۷) چالش‌های فرآوری صنایع تبدیلی انواع میوه در استان کرمانشاه در ۸ طبقه تنگناهای مرتبط با بازار، نیروی‌کار، مسائل مدیریتی، پیامدهای هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های اقتصادی، انسجام نداشتن سازمان‌های متولی صنایع کشاورزی و نداشتن برنامه‌ریزی راهبردی قرار دادند. یداللهی فارسی (۱۶) در تحقیق خود در رابطه با فرصت‌های کارآفرینی در بخش صنایع غذایی ارگانیک، نشان دادند معیار صنعت و بازار مهم‌ترین معیار در ارزیابی فرصت‌های کارآفرینی در بخش صنایع تبدیلی بوده و کارآفرینان قبل از شروع فعالیت خود باید اطلاعات مربوط به بازارهای مصرف محصولات ارگانیک همچون صنایع غذایی (تبدیلی) را به‌طور کامل به‌دست آورند و به ارزیابی نیاز بازار بپردازند. اشراقی سامانی و همکاران (۲) در تحقیق خود به موضوع چالش‌های کارآفرینی روستایی در استان ایلام پرداختند و با شناسایی ۵ عامل موانع اقتصادی، سیاسی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی به این نتیجه رسیدند که موانع اقتصادی از بیشترین سهم و موانع فرهنگی از کمترین سهم نسبت به دیگر چالش‌ها برخوردارند.

این مطالعات وجود عوامل متعددی را برای توسعه صنایع تبدیلی ضروری می‌دانند، اما مهم‌ترین عامل در این میان پتانسیل منطقه از نظر تأمین مواد اولیه برای این‌گونه صنایع می‌باشد که از الزامات اولیه برای ایجاد صنایع تبدیلی محسوب می‌گردد. پتانسیل‌ها و مزیت‌های نسبی موجود در استان خراسان شمالی حاکی از وجود زمینه‌های گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در محیط‌های روستایی است.

هدف این مطالعه شناسایی چالش‌های توسعه کارآفرینی در بخش صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی در استان خراسان شمالی می‌باشد. همچنین، این مطالعه درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی چیست؟ موانع توسعه صنایع تبدیلی استان کدامند؟ اولویت چالش‌های صنایع استان چگونه می‌باشد؟

مواد و روش‌ها

این مقاله مبتنی بر یک تحقیق کاربردی است که در ۲ سطح کتابخانه‌ای و پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه تعداد ۲۰ نفر از مدیران و کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل صنعت، معدن و تجارت، اتاق بازرگانی و بانک کشاورزی بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. در این پرسشنامه که شامل ۲۲ سؤال در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی می‌باشد از طیف لیکرت استفاده شده و تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار Minitab انجام شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش ابتدا با استفاده از آمار توصیفی مشخصات فردی افراد پاسخ‌دهنده مورد بررسی قرار گرفت، سپس در قسمت آمار استنباطی، با استفاده از آزمون فریدمن، عوامل تأثیرگذار صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی اولویت‌بندی شده است. نتایج نشان می‌دهد که از بین عوامل مطرح، موانع تأمین مالی در رتبه اول عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی قرار دارد و پس از آن تنگناهای مرتبط با بازار در رتبه دوم، فقدان برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی در رتبه سوم، کاغذبازی در فرآیند صدور مجوزها (نظام بروکراسی) و ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی به طور مشترک در رتبه چهارم قرار دارد و ضعف هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی در رتبه پنجم قرار دارند.

همانطورکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود ۱۵ درصد از نمونه آماری این پژوهش را خانم‌ها و ۸۵ درصد آن را آقایان تشکیل می‌دهند.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-08]

جدول ۱- توزیع فراوانی جنسیت پاسخ‌گویان مورد مطالعه

Table 1. Frequency distribution and percentage of respondents gender

جنس	فراوانی	درصد
زن	۳	۱۵
مرد	۱۷	۸۵
جمع	۲۰	۱۰۰

همان‌طور که در خروجی نرم‌افزار در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین سنی پاسخ‌دهندگان مرد ۳۷ سال، حداکثر سن آن‌ها ۵۰ سال، حداقل سن آن‌ها ۲۷، مد رایج ۳۱،۳۲،۳۶ و ۴۲ سال می‌باشد. میانگین سنی پاسخ‌دهندگان زن ۳۳ سال، حداکثر سن آن‌ها ۳۵، حداقل سن آن‌ها ۳۲ و مد رایج ۳۲ سال می‌باشد.

جدول ۲- آمارتوصیفی سن پاسخ‌گویان مورد مطالعه

Table 2. Descriptive statistics of respondent' age

متغیرجنسیت	تعداد افراد	میانگین سن	حداقل سن	حداکثر سن	مد
۱ (مرد)	۱۷	۳۷/۱۲	۲۷	۵۰	۳۱، ۳۲، ۳۶، ۴۲
۲ (زن)	۳	۳۳	۳۲	۳۵	۳۲

در مورد تحصیلات پاسخ‌دهندگان مرد، مد رایج کارشناسی ارشد (۲)، کارشناسی (۱)، حداکثر دکترا (۳) و حداقل کارشناسی (۱) می‌باشد و در مورد تحصیلات پاسخ‌دهندگان زن مد رایج، حداکثر، حداقل کارشناسی ارشد (۲) می‌باشد.

جدول ۳- آمارتوصیفی سطح تحصیلات پاسخ‌گویان مورد مطالعه

Table 3. Descriptive statistics of respondent' education

مد	ماکزیمم	مینیمم	تعداد	متغیر جنسیت
۲و۱	۳ (دکترا)	۱ (کارشناسی)	۱۷	۱ (مرد)
۲	۲ (کارشناسی ارشد)	۲ (کارشناسی ارشد)	۳	۲ (زن)

آزمون فرضیه‌های پژوهش و نتایج آن

فرضیه ۱: مشکلات و موانع تأمین مالی رابطه معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد.

متوسط به پایین $H_0: \mu \leq ۳$

متوسط به بالا $H_1: \mu > ۳$

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T مشخص گردید چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون، یعنی مقدار احتمال متغیر، از مقدار آلفای آزمون که ۰/۰۵ است کمتر می‌باشد. بنابراین، فرض H. رد شده و فرض مقابل آن یعنی H_1 پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری مشاهده شده از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار می‌باشد. یعنی مشکلات و موانع تأمین مالی رابطه منفی معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد. از برآیند میانگین امتیازدهی پاسخ‌گویان برمی‌آید که، میانگین ۴/۲۷۵ می‌باشد و مقدار آن از ۳ بزرگ‌تر است لذا می‌توان گفت موانع تأمین مالی تأثیر زیادی (بیش از متوسط) بر توسعه کارآفرینی در صنایع تبدیلی خراسان شمالی دارد. البته این نتیجه‌گیری الزاماً به معنی کمبود منابع مالی نیست و در اکثر تحقیقات مشخص گردیده که سختی دستیابی به منابع مالی و شرایط سخت تعیین شده توسط بانک‌ها، عمده مشکل بنگاه‌های صنعتی و تولیدی است.

فرضیه ۲: تنگناهای مرتبط با بازار رابطه معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد.

متوسط به پایین $H_0: \mu \leq ۳$

متوسط به بالا $H_1: \mu > ۳$

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T مشخص گردید چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون، یعنی مقدار احتمال متغیر از مقدار آلفای آزمون که ۰/۰۵ است کمتر می‌باشد، بنابراین، فرض H. رد شده و فرض مقابل آن یعنی H_1 پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که تأثیر متغیر تنگنای بازار به‌طور آماری کاملاً معنی‌دار می‌باشد. بنابراین، تنگناهای مرتبط با بازار رابطه معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد و شدت تأثیرگذاری (Mean = ۳/۷۲۵) به میزان متوسط می‌باشد.

فرضیه ۳: مسائل مربوط به کاغذبازی در فرآیند صدور مجوزها (نظام بروکراسی) رابطه معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد.

متوسط به پایین $H_0: \mu \leq ۳$

متوسط به بالا $H_1: \mu > ۳$

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T مشخص گردید چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون، یعنی مقدار احتمال متغیر از مقدار آلفای آزمون که ۰/۰۵ است کمتر می‌باشد، بنابراین، فرض H. رد شده و فرض مقابل آن یعنی H_1 پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که متغیر مورد بررسی از لحاظ آماری تأثیر منفی معنی‌داری بر توسعه کارآفرینی در صنایع تبدیلی دارد. به‌عبارت‌دیگر، اثر با اهمیتی در توسعه صنایع تبدیلی استان می‌گذارد و چون میانگین امتیازدهی پاسخ‌گویان ۳/۶۴۸ می‌باشد شدت تأثیرگذاری این متغیر از نظر مدیران و کارشناسان در حد متوسط می‌باشد. به عبارتی، مسائل و

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-08]

دشواری‌های مربوط به تأمین مالی نسبت به مسائل بوروکراسی صدور مجوزهای تأسیس واحد تولیدی تأثیر منفی شدیدتری بر توسعه صنایع تبدیلی دارد.

فرضیه ۴: بین نبود برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی با توسعه صنایع تبدیلی استان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

متوسط به پایین $H_0: \mu \leq ۳$

متوسط به بالا $H_1: \mu > ۳$

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T مشخص گردید چون مقدارسطح معنی‌داری آزمون، یعنی مقدار احتمال متغیر از مقدار آلفای آزمون که ۰/۰۵ است کمتر می‌باشد، بنابراین، فرض .H رد شده و فرض مقابل آن یعنی H_1 پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری مشاهده شده از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار می‌باشد. بنابراین بین نبود برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی با توسعه صنایع تبدیلی استان رابطه معنی‌داری وجود دارد و درحالی‌که (Mean = ۳/۷۶۳) شدت تأثیر این عامل نیز در حد متوسط می‌باشد.

فرضیه ۵: ضعف نظام مدیریتی خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی رابطه معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد.

متوسط به پایین $H_0: \mu \leq ۳$

متوسط به بالا $H_1: \mu > ۳$

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T مشخص گردید چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون، یعنی مقدار احتمال متغیر از مقدار آلفای آزمون که ۰/۰۵ است کمتر می‌باشد، بنابراین، فرض .H رد شده و فرض مقابل آن یعنی H_1 پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری مشاهده شده از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار می‌باشد. بنابراین ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی رابطه معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد و شدت تأثیر این فاکتور نیز در حد متوسط می‌باشد. به عبارت بهتر، این عامل در بلندمدت چون اثر خود را می‌گذارد در دیدگاه پاسخ‌گویان تأثیر شدید ندارد بلکه متوسط می‌باشد.

فرضیه ۶: مسائل مربوط به نبود هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی رابطه معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد.

متوسط به پایین $H_0: \mu \leq ۳$

متوسط به بالا $H_1: \mu > ۳$

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T مشخص گردید چون مقدار سطح معنی‌داری آزمون، یعنی مقدار احتمال متغیر از مقدار آلفای آزمون که ۰/۰۵ است کمتر می‌باشد، بنابراین، فرض .H رد شده و فرض مقابل آن یعنی H_1 پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که رابطه متغیر مشاهده شده از لحاظ آماری کاملاً معنی‌دار می‌باشد. بنابراین مسائل مربوط به نبود هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی رابطه منفی معنی‌داری با توسعه صنایع تبدیلی استان دارد و میزان تأثیر آن به عقیده پاسخ‌گویان تحقیق در حد متوسط می‌باشد. به هر حال، از دید یک برنامه‌ریز امور توسعه‌ای وجود هماهنگی و انسجام نهادی در اجرای یک برنامه راهبردی استانی در مسیر توسعه صنایع تبدیلی که مرتبط با دستگاه‌های متعدد می‌باشد بایستی یک سیاست هماهنگ و هم‌راستا اتخاذ گردد تا نتیجه‌ای اثربخش بر توسعه این بخش‌بر جای گذارد. در این منطق رهبری اجرای راهبرد توسعه‌ای در استان، لزوم استقرار پنجره واحد ارائه خدمات حاکمیتی و اجرایی به کارآفرینان متقاضی شروع یک فعالیت کسب‌وکار و یا توسعه آن امری بسیار پراهمیت می‌باشد. جدول ۴ عوامل تأثیرگذار بر توسعه صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی را نشان می‌دهد.

جدول ۴- عوامل تأثیرگذار بر توسعه صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی

Table 4. Factors influencing the transformation industries of North Khorasan Province

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون T	احتمال
۱- موانع تامین مالی	۲۰	۴/۲۷۵	۰/۵۹۵	۹/۵۸	۰/۰۰۰
۲- مسائل مربوط به کاغذبازی در فرآیند صدور مجوزها	۲۰	۳/۶۴۸	۰/۷۲۰	۴/۰۲	۰/۰۰۰
۳- تنگناهای بازار	۲۰	۳/۷۲۵	۰/۵۳۷	۶/۰۳	۰/۰۰۰
۴- نبود برنامه ریزی راهبردی	۲۰	۳/۷۶۳	۰/۵۰۳	۶/۷۸	۰/۰۰۰
۵- ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی	۲۰	۳/۷۸۸	۰/۵۴۶	۶/۴۵	۰/۰۰۰
۶- نبود هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی	۲۰	۳/۶۳۹	۰/۷۵۳	۳/۷۹	۰/۰۰۱

آزمون فریدمن جهت بررسی رتبه‌بندی مؤلفه‌های تحقیق

این آزمون که با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی را رتبه‌بندی کرده که نتایج زیر را در برداشت:

نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد موانع تأمین مالی در رتبه اول عوامل تأثیرگذار بر توسعه صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی قرار دارد و به‌عنوان مهم‌ترین مشکل پیش‌روی کارآفرینان بخش توسعه صنایع تبدیلی خراسان شمالی بوده است و پس از آن تنگناهای مرتبط با بازار در رتبه دوم است یعنی مسائل و دشواری‌های تولیدکنندگان در عرضه محصولات خود به بازارهای هدف، ضعف اتحادیه‌ها و اصناف استانی در معرفی محصولات در نمایشگاه‌ها، بازاریابی محصولات و برندسازی برای محصولات تولیدی می‌باشد.

نبود برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی در رتبه سوم اهمیت قرار می‌گیرد. وجود برنامه‌ریزی راهبردی و هدف‌گذاری یکپارچه به دستگاه‌های حاکمیتی و اجرایی استانی در جهت حمایت‌ها و تشویق‌ها برای تکمیل زنجیره‌های عرضه و متشکل سازی خوشه‌های صنعتی مربوطه به‌طور طبیعی انتظارات خوش‌بینانه را در سرمایه‌گذاران و کارآفرینان بالقوه استان ایجاد و تشویق می‌سازد و به نوعی هدفمند، هوشمند و اثربخش به ارائه خدمات به کارآفرینان مبادرت می‌ورزد.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-08]

کاغذبازی در فرآیند صدور مجوزها (نظام بروکراسی) و ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی به‌طور مشترک در رتبه چهارم اهمیت قرار می‌گیرد. مسلماً فرآیندهای طولانی و زمان‌بر اخذ مجوزها هزینه‌های مبادلاتی بالا در شروع یک کسب‌وکار به‌عنوان یکی از شاخص‌های محیط کسب‌وکار می‌تواند مشوق یا مانع توسعه کسب‌وکار باشد. مسلماً اجرای برنامه پنجره واحد ارائه خدمات دستگاه‌های دولتی برای کارآفرینان می‌تواند به‌عنوان یک راه‌کار در رفع این معضل باشد و با استفاده از فناوری‌های اطلاعات هزینه‌های مبادلاتی تا حد ممکن کاهش یابد. نبود هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی در رتبه پنجم قرار دارند. این عامل در مقیاس کلان توسعه صنعت غذایی استانی مشاهده می‌گردد لذا، هر تولیدکننده در ارتباط با موضوع منحصر به خود توجه زیادی به آن نمی‌کند، در بعد کلان وجود هماهنگی مابین دستگاه‌ها می‌تواند در راستای یک استراتژی واحد مبنی بر حمایت از توسعه این صنایع به دلیل مزیت اقتصادی و اشتغال‌زایی در استان در تسریع فرآیندهای اخذ مجوزها و پیش‌روی نقش مؤثر و مفیدی خواهد داشت.

جدول ۵- رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی استان خراسان شمالی براساس آزمون فریدمن

Table 5. Ranking of factors affecting transformation industries in North Khorasan province, according to Friedman test

ردیف	متغیر	میانگین رتبه‌ای	رتبه
۱	موانع تأمین مالی	۴/۶۳	۱
۲	کاغذبازی در فرآیند صدورمجوزها (نظام بروکراسی)	۳/۲۵	۴
۳	تنگناهای مرتبط با بازار	۳/۳۸	۲
۴	نبود برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی	۳/۳۵	۳
۵	ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی	۳/۲۵	۴
۶	نبود هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی	۳/۱۵	۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان می‌دهد بالابودن بهره تسهیلات بانکی، طولانی‌بودن روند بررسی و پرداخت تسهیلات بانکی، کوتاه‌بودن مدت بازپرداخت وام‌ها و پرداخت نشدن به موقع تسهیلات بانکی، عدم تخصیص یارانه‌های تولیدی (یارانه نرخ بهره وام‌ها) به واحدهای صنایع تبدیلی یا غذایی که جزء موانع مالی به‌حساب می‌آیند و در رتبه اول عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی استان قرار دارند. پیچیدگی نظام اداری دست‌وپاگیر که هزینه‌های شروع یک کسب‌وکار جدید را افزایش می‌دهد و زمان شروع کار را طولانی می‌سازد در قالب متغیر نظام بروکراسی اخذ مجوزهای متنوع که ملازم با پرداخت‌های متعدد به دستگاه‌های مختلف اداری جهت شروع یک کسب‌وکار می‌باشد از دید کارشناسان دومین عامل چالش‌زا در توسعه کارآفرینی صنایع تبدیلی استان به‌شمار آمده است. از طرفی، ضعف در برگزاری نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های مرزی جهت توسعه بازار صنایع غذایی استان، قیمت‌گذاری دستوری و دخالت در بازار فرآورده‌های تولیدی از سوی دولت، ضعف اتحادیه‌ها و اصناف استانی در اجرای برنامه‌های بازاریابی متمرکز و شبکه‌ای و اجرای نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های فصلی که جزء تنگناهای مرتبط با بازار محسوب می‌شوند و در رتبه سوم عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی استان قرار گرفته‌اند. طراحی و تدوین برنامه‌ریزی راهبردی صنایع تبدیلی استان که با حمایت از تشکیل و توسعه خوشه‌های صنعتی در حوزه صنایع تبدیلی، تشکیل زنجیره‌های ارزش در صنعت مواد غذایی، پوشش ضعیف زیرساخت‌ها در شهرک‌های صنعتی، شناسایی و ساماندهی مزیت‌های رقابتی در صنایع غذایی استان چهارمین چالش توسعه کارآفرینی صنایع تبدیلی استان می‌باشد. همچنین، ضعف در زمینه ساماندهی نظام مدیریتی واحدهای صنایع تبدیلی استان در قالب حرکت از شیوه‌های مدیریت سنتی به الگوهای مدیریت علمی نوین و استقرار حاکمیت مشارکتی و نظام تحقیق و توسعه در واحدها به منظور راهیابی به بازارهای سرمایه و بورس اوراق بهادار و عبور از موانع توسعه واحدها در کنار بهبود کارایی و بهره‌وری این واحدها موضوع فاکتور پنجم از یافته‌های تحقیق می‌باشد. در نهایت، ضعف در تعامل دو سویه بخش خصوصی با دستگاه‌های اجرایی بخش صنعت و کشاورزی استان در راستای انتقال و گزارش ضعف‌ها، دریافت خدمات مشاوره‌ای، ارائه راهکارها و همین‌طور فقدان اقدامات لازم در عقد قراردادها و تفاهم‌نامه با کشورهای همجوار استان در راستای بازاریابی و برندسازی، ضعف اتاق فکر و پنجره واحد ارائه خدمات صدور موافقت اصولی بدون در نظر گرفتن ظرفیت بخش کشاورزی منطقه از جمله عدم هماهنگی‌ها بین دستگاه‌های دولتی می‌باشد که در رتبه ششم قرار گرفته است.

پیشنهاد می‌شود در جهت رفع موانع مالی پرداخت وام با شرایط آسان‌تر انجام گیرد و زمان بازپرداخت آن نیز افزایش یابد. اولویت‌بخشی در پرداخت تسهیلات به واحدهای صنایع تبدیلی استان با نرخ‌های تسهیلات یارانه‌ای و پایین‌تر از بخش‌های تجاری به حمایت از توسعه این بخش می‌انجامد. همچنین، توسعه ارائه خدمات دولت الکترونیک و پنجره واحد ارائه خدمات اخذ مجوزها و شروع به‌کار یک کسب‌وکار جدید می‌تواند هزینه‌ها و زمان شروع به‌کار یک کسب‌وکار جدید را کاهش داده و مشوق توسعه کارآفرینی در این بخش گردد. از سوی دیگر، با ایجاد یک واحد تحقیق و توسعه در خصوص صنایع تبدیلی در سازمان جهاد کشاورزی و ایجاد یک برنامه‌ریزی جامع در خصوص موارد فوق از جمله برگزاری نمایشگاه‌ها و حضور در بازارهای منطقه‌ای و بازارچه‌های مرزی و همکاری و دادن مشاوره به اتحادیه‌ها و اصناف استانی در کنار حمایت از ایجاد و توسعه شبکه تعاونی‌های استانی به اقدامات مؤثر منجر شده و در اجرای برنامه‌های بازاریابی متمرکز و شبکه‌ای و نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-08]

فصلی می‌تواند به حل تنگناهای بازار تا حدودی کمک کند. برای رفع معضل نبود برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی نیز پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی یکپارچه استانی با همکاری کلیه دستگاه‌ها و نهادهای ذیربط، با رویکردی آینده‌نگر صورت پذیرد. در این زمینه، ایجاد بانک اطلاعات و آمار دقیق صنایع مذکور در استان، نخستین گام است. همچنین، جهت رفع ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی، سندیکاهای بخش خصوصی و تعاونی به‌علاوه مدیران دولتی با طراحی و توسعه شیوه‌نامه‌های قانونی به ارتقاء نظام کیفیت مدیریت واحدها کمک می‌کنند. در پایان نیز هماهنگی بیش از پیش سازمان‌های متولی و تجدیدنظر در مقررات موازی و متناقض از یک‌سو و انتصاب مدیران مطابق نظام مدیریتی مبتنی بر عملکرد و کارایی مدیران که نوعی پایداری پست‌های مدیریت اجرایی را در پی داشته و ثبات رویه‌ها و انتقال تجربه‌ها و حرکت در جهت اصلاح امور، می‌تواند در حل مشکل نبود انسجام و هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی راهگشا باشد.

منابع

1. Bhalla, A.S. 1982. Rural industrialization and new economic policies in human (CHINA). World Employment Program Research, 8(5): 37-52.
2. Eshraqhi Samani, R., T. Karimi, M. Vahedi and T. Saydeh. 2016. Challenges of rural Entrepreneurship in Ilam Province. Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture, 3 (5): 57-63.
3. Farahmndyan, R. 2000. Optimal site about the city processing industries and its role in rural development Research Branch (Semirom lower section). M.Sc. Thesis, Geography and Rural Planning, Tarbiat Modarres University, Tehran,127 pp (In Persian).
4. Kishore, C. 1997. Rural non-farm activities in specific regions of Orissa. Journal of Rural Development, 16(7): 457-464.
5. Lied, H. and C. Kilby. 1994. The role of non-farm actives in the rural economy Macmillan Press in Association with the IEA O. Journal of Agricultural Economics, 4(2): 42-58.
6. Maghsoodi, M. 2009. The role of agro-processing industry of agricultural products on agricultural value added. Journal of livestock and Agro-industry, 3(120): 48-49 (In Persian).
7. Mardokhy, B. 1993. Rural Industries in Iran to investigate the situation and development conditions. Agricultural Economics and Development, 1(3): 30-43 (In Persian).
8. Moradi, Kh., H. Agahi, K. Zarafshani and A.H. Pap zan. 2015. Qualitative analysis challenges a variety of fruit processing industries in Kermanshah (application software NVivo). Rural Research period, 6 (3): 483-514 (In Persian).
9. Motiee Langeroudi, S.H. and A.A. Najafi Canie. 2011. Rural Development and Industrialization (Theories, Methods and Strategies for Industrial Development). Publishing Tehran University, 265 pp (In Persian).
10. Namboodiri, N.V. and V.P. Gandhi. 2003. Growth, Structure and Prospects of Agro- processing Industries in India: Is there Improvement since the Economic Reforms? India Journal of Agricultural Economics, 58(3): 622-635.
11. Nasiri, E. 2007. Rural Industry Influence on the process of Economic and Social Development (Experimental Sample: Boomehen Villages). Journal of Geographical landscape, 2(5): 138-160 (In Persian).
12. North, D. and D. Smallbone. 1996. Small Business Development in Remote rural areas. Journal of Rural Studies, 12(2): 151-167.
13. Rahimi, A. 2004. Further characterization process industries and the agricultural sector and rural industries based on the experiences of other countries. First edition, Tehran: Publishing of Jamenegar, 224 pp (In Persian).
14. Sharifian, M.D. 2001. The role of rural industry in the development of rural areas (industrial area Amanabad Mashhad). M.Sc. Thesis, Geography and Rural Planning, Tehran University,130 pp (In Persian).
15. Sharma, K.D., M.S. Pathania and H. Lai. 2010. Value chain Analysis and Financial viability of Agro-processing Industries in Himachal Pradesh. Agricultural Economics Research Review, 23(1): 515-522.
16. Yadollahi Farsi, J., Gh. Hosseininia and M. Asadollahi Shad. 2014. The Survey of Effective Criteria on Evaluating Entrepreneurial Opportunities in the Organic Food Industry. Journal of Entrepreneurship and Agriculture, 1(1): 15-24.
17. Zangiabadi, A., A. Fathi, M. Ezadi. 2011. Analysis of the spatial distribution of industries in Isfahan province using (PIDI). Journal Amayesh Sarzamin, 3(4): 5-22 (In Persian).

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-08]

Challenges and Opportunities for the Development of Entrepreneurship in the Industrial Conversion of Garden Products (Case Study: North Khorasan Province)

Ali Karshenasan[1] and Mozhgan Alizade[2]

1- Assistant Professor, University of Gonbad-Kavos, (Corresponding Author: karshenasan@gonbad.ac.ir)
2- M.Sc. Student, Gonbad Kavous University
Received: July 18, 2016 Accepted: May 24, 2017

Abstract

The main purpose of this paper is to identify the challenges and barriers of entrepreneurship development in the conversion industry of horticultural products in North Khorasan Province and prioritize those barriers and finally provide solutions to the barriers to the development of this industry. For this purpose, the required information was obtained through face-to-face interviews and completed a questionnaire with 20 managers and experts from Jihad-e-Agriculture Organization, Department of Industry, Mine, Trade, Chamber of Commerce and Agricultural Bank of North Khorasan Province. The results show that the barriers to financing in the first place are the factors affecting the transformation industries of North Khorasan province, after which the market-related bottlenecks are ranked second, the lack of strategic planning in the gardening products conversion industry is ranked third, paperwork In the process of issuing licenses (bureaucratic system) and the weakness of the private sector management system and the cooperative of conversion units, they are ranked fourth in the fourth place, and the weakness of coordination between government agencies is in the fifth position. Therefore, it is proposed to pay a loan with easier conditions and a longer repayment period Will happen. It also, reduces the creation of a single window between organizations for licensing, costs, and the timing of the start-up of workshops and conversion industries, and the implementation of focused marketing programs to engage in regional and cross-border markets and seasonal markets will help solve the problem market bottlenecks.

Keywords: Agricultural Waste, Horticultural Products, Entrepreneurship, Challenges and Opportunities, Finance, North Khorasan

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-08]